نگاه بیرون

دلایل ترکیه برای نزدیکی به ایران

العرب

مترجم: آزاده بابایی‌نژاد

● در سفر چندروز پیش نخست‌وزیر ترکیه به ایران، تفاهمنامه اقتصادی-سیاسی به ارزش ۲۰میلیارددلار به امضای دوکشور رسید تا اردوغان با آرامش‌خاطر، جشن تولد ۶۰سالگی‌اش را در روز ۲۶ فوریه برگزار کند. آگاهان سیاسی بر این باورند که انتخاب تهران برای سفر هیات بلندپایه ترک در برهه حساس کنونی، انتخابی بسیار بجا و هوشمندانه بوده است و برای این ادعای خود چند دلیل مهم می‌آورند:

۱) آشکارشدن ابعاد رسوایی اقتصادی در ترکیه و آلوده‌بودن چند مقام بلندپایه دولت اردوغان در پرونده موسوم به پرونده «ضراب»، ناآرامی‌های داخلی را به‌همراه داشت که تا سرحد سقوط حزب عدالت و توسعه پیش رفت. اردوغان در آن روزها که در مظان انتقادهای تند مخالفانش قرار داشت، پیشرفت اقتصادی زودهنگام را برای خاموش‌کردن صدای معترضان، به شهروندان ترک وعده داد. به نظر می‌رسد او با سفر به تهران و امضای تفاهمنامه اقتصادی، درصدد جذب هرچه‌بیشتر سرمایه‌گذاری ایرانی‌ها در خاک ترکیه است که رشد اقتصادی به همراه دارد. درواقع او تلاش می‌کند با توسل به رابطه با ایران، به جلو فرار کند.

۲) اردوغان در تلاش برای ترمیم و اصلاح سیاست‌های دولت متبوعش است که باوجود شعار توسعه اقتصادی، هنوز پیشرفت ملموس و عینی نداشته است. رویای این روزهای اردوغان، نواختن آهنگ روبه‌جلو اقتصادی در ترکیه با جذب سرمایه‌گذاری خارجی است تا اینچنین ترکیه نه‌تنها از انزوا خارج شده، بلکه بار دیگر می‌تواند نقش فعال و موثر در خاورمیانه ایفا کند. به علاوه ترکیه به‌دنبال یافتن هم‌پیمانی در منطقه است تا در صورت لزوم به یاری آن بیاید. در همین حال «خیام الزغبی» نویسنده و پژوهشگر سوری مسایل سیاسی، به سفر اردوغان از نقطه‌نظر دیگری می‌نگرد. او براین باور است حالا که تهران با غرب به گفت‌وگو نشسته دو کشور می‌توانند برای حل هرچه‌زودتر بحران سوریه، به یک زبان مشترک برسند و با کمک همین اشتراک، می‌توان بحران سوریه را از طریق سیاسی و نه نظامی، حل‌وفصل کرد. در این میان گفت‌وگوی نتیجه‌بخش غرب با تهران، این اطمینان‌خاطر را به ترکیه می‌دهد تا به ایران به چشم یک دوست همراه بنگرد. این همراهی می‌تواند تا جایی پیش برود که ترک‌ها گزینه خرید نفت ایران به‌جای عراق را مطرح کنند.

آذر منصوری در گفت‌وگو با «شرق»:

زنان ایران در انقلاب دنبال الگوی جدیدی بودند

صفوف به‌هم‌فشرده زنان در راهپیمایی‌ها، تصاویری فراموش‌ناشدنی است. موتور محرکه حضور زنان در انقلاب اگرچه مطالبات اصلی یعنی آزادی و استقلال بود اما قطعا برخی سیاست‌های تبعیض‌آمیز یا تحمیلی رژیم گذشته در زمینه مدرنیزاسیون از بالا به پایین که در تضاد با فرهنگ بخشی از جامعه بود، خانواده‌ها و زنان را به مقاومت واداشته بود. با آذر منصوری درخصوص مطالبات زنان از انقلاب، سهم آنها و وضعیت موجود گفت‌وگو کرده‌ایم.

عکس: میلاد پیامی، شرق

تصاویر به‌هم‌فشرده زنان در راهپیمایی‌های انقلاب حاکی از این است که زنان در کنار مردان به‌دنبال مطالبات اصلی انقلاب بودند، اما قطعا در کنار این مطالبه اصلی، زنان به وضع موجود و سیاست‌های رژیم مستقر درحوزه زنان هم اعتراض داشتند. این اعتراض به وضع زنان تا چه اندازه در حضور اعتراضی زنان موثر بود؟

آنچه ما در رژیم گذشته درخصوص مساله زنان با آن روبه‌رو بودیم، به نگاهی «غالبی» بازمی‌گشت که رژیم درصدد القای آن به زنان بود و به نوعی به ترویج بی‌بندوباری و دادن نقش‌های لوکس و ویترینی به زنان دامن می‌زد. این در حالی بود که ما در کشور با نگاه دیگری هم در حوزه زنان روبه‌رو بودیم. نگاه سنتی و دگمی که باور داشت، زنان باید در خانه‌ها بمانند و هیچ فعالیتی نداشته باشند؛ اما طبقه‌ای از روشنفکران درصدد بر آمدند تا الگوی دیگری از زنان با رویکرد رحمانی دین اسلامی ارایه کنند؛ زنی مسوول و پاسخگو در برابر خانواده و حتی اجتماع و سیاست. برای همین است که ما می‌بینیم که زنان در صفوف به‌هم‌پیوسته انقلاب، همپای مردان حضور پیدا می‌کنند چراکه حس می‌کردند در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دچار حس حقارتی شده‌اند که با حضورشان در عرصه انقلاب می‌توانند آن را تغییر دهند.

این اعتراض به نظر می‌رسد از سیاست‌های عجولانه شاه در مدرنیزاسیون‌سازی جامعه که زنان هم بخشی از آن بودند نشات می‌گرفت. به نظر شما این اقدامات در اعتراض زنان به وضع موجود چقدر موثر بود؟

همان‌طور که شما می‌گویید این اصرار بر تغییر، باعث نوعی تقابل درجامعه شده بود که بخش سنتی را به واکنش برمی‌انگیخت. نمونه آن هم مثلا بحث سپاه دانش بود که باعث می‌شد نوعی محدودیت برای بخشی از زنان ایران تحمیل شود که این نگاه مبنی بر اصرار بر حضور زنان در عرصه اجتماع را برنمی‌تافتند. به نظر می‌رسد آن طبقاتی از زنان که به‌دنبال تغییر شرایط موجود بودند نه الگوی سنتی و نه الگوی تحمیلی از بالا به پایین شاه را قبول نداشتند. بلکه به‌دنبال ارایه تصویر دیگری از زن ایرانی بودند و همین هم زمینه و انگیزه‌ای بود برای همراهی‌شان در پیشبرد انقلاب.

به نظر شما چرا هنوز بخشی از مطالبات زنان در زمان انقلاب به‌طور کامل جامه عمل نپوشیده است؟

من وضعیت را خاکستری می‌بینم. دستاوردهای انقلاب را بعد از گذشت سه دهه وقتی می‌توانیم مورد بررسی و نقد قرار دهیم که انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب‌های دیگری که در کشورهای دیگر رخ داده است مورد بررسی مقایسه‌ای قرار دهیم. به‌ویژه که در طول کمتر از نیم دهه اخیر ما شاهد شکل‌گیری انقلاب در کشورهای عربی و به تعبیری «بهارعربی» یا بیداری اسلامی بودیم. می‌بینیم که نتایج این انقلاب‌ها با توجه به اینکه عمر چندانی از پیروزی آنها نگذشته به کجا انجامیده است. نظامی که از این انقلاب برخاسته، با وجود فشارها و تهدیدها و تحمیل یک جنگ هشت‌ساله همچنان روی پای خودش ایستاده است. مهم‌ترین نقطه‌قوت نظام را باید با تاکید بر حضور آگاهانه مردم در بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز و با توجه به ظرفیتی که درقانون اساسی ما وجود دارد باید دریافت. شاید بشود گفت که آن بخش از دستاوردهای انقلاب اسلامی که بارزتر از بخش‌های دیگر و آرمانی‌تر بود و بیشتر از همه می‌شود روی آن اتکا کرد، نقش مردم در تعیین سرنوشتشان بود. زنان هم به عرصه آمدند تا نقش بی‌بدیل خود را ایفا کنند. وقتی صحنه تظاهرات را مرور می‌کنید حضور زنان این‌قدر پررنگ و تاثیرگذار است که هیچ ویرایشگر و روتوش‌کننده‌ای نمی‌تواند این اصل و حضور را منکر شود. به‌ویژه که زنان هم خودشان در این صحنه حضور داشتند و هم مشوق حضور مردان و پسران و فرزندان خود در این پیروزی بودند این حضور را ما در جنگ تحمیلی و صحنه‌های باشکوه دیگر می‌توانیم ببینیم.

وضعیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف را چگونه‌می‌بینید؟

حضور زنان در بزنگاه‌های انتخاباتی و در پای صندوق رای کاملا قابل لمس و غیر قابل‌انکار است. آنچه در ابتدای انقلاب به‌ویژه از نظر بنیانگذار جمهوری‌اسلامی‌ایران مطرح بود، این بود که زنان باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت داشته باشند. من فکر می‌کنم این مبنایی‌ترین کلامی هست که ما می‌توانیم به آن استناد کنیم. این سخن هیچ بهانه‌ای برای حذف مشارکت سیاسی زنان در صحنه‌های بعد از انتخابات برای برنامه‌ریزان و کسانی که مسوولیت در اختیار دارند، باقی نمی‌گذارد. ضمن اینکه در قانون اساسی ما هم در ارتباط با مشارکت سیاسی زنان این موضوع را به‌خوبی آشکار کرده است. فصل سوم قانون اساسی هم که مورد تاکید حقوق ملت است و نهادهای متولی کشور را موظف به اجرا و تحقق این حقوق کرده است، تفاوتی میان زنان و مردان در بخش مشارکت سیاسی ندیده است. اما آنچه بعد از ۳۵سال با آن مواجه هستیم را شاید بتوان در گزارشی که سال قبل مجمع جهانی اقتصاد با موضوع شکاف جنسیتی در جهان منتشر کرد به‌خوبی دید. در این گزارش ایران بین ۱۳۹کشور رتبه ۱۳۰ را در مشارکت زنان کسب کرده است. به‌ویژه که وقتی در این گزارش دقیق می‌شویم رقم مشارکت سیاسی زنان را نزدیک به صفر می‌یابیم. نمونه روشن این مساله حضور زنان در مجالس قانونگذاری است. با وجود اینکه سهم زنان جهان از پارلمان سال‌هاست از ۲۰درصد فراتر رفته اما میانگین زنان ایران در مجلس قانونگذاری به ۵درصد هم نرسیده است. این جدای از این است که ما تاکنون رییس‌جمهور و قاضی زن نداشتیم.

چالش‌های مشارکت زنان در چه عواملی ریشه دارد؟

ما یک بحث قانونی داریم و یک بحث عرفی که این دو حوزه دچار تناقض و مشکل شده‌اند اما مساله اساسی این است که بعد از ۳۵سال با وجود حضور زنان در بزنگاه‌های تعیین‌کننده اما مشارکت سیاسی زنان با «صندوق رای» معنا پیدا کرده است و البته برخی چالش‌ها پابرجاست. در میان دولت‌های بعد از انقلاب دولت «خاتمی» بیشترین تلاش را کرد که سهم زنان در مشارکت سیاسی را افزایش دهد. تا جایی که ۱۰سال قبل از بین ۱۳۹کشور رتبه ما ۱۲۰ بوده است. اما در هشت‌سال گذشته خیلی از کشورها که عقب‌تر بودند از ما پیشی گرفته‌اند. این گزارش گویاترین تصویر از بحث مشارکت سیاسی زنان است که می‌توان ارایه داد. اما به هر حال ما در این سال‌ها در حوزه‌هایی پیشرفت داشتیم، مثل آموزش‌عالی. زنان هرجا که امکان رشد داشته‌اند حضور پیدا کردند. اما شاید بشود گفت اصلی‌ترین عامل فراهم‌نشدن برابری فرصت‌ها نپرداختن به موضوع توسعه همه‌جانبه توسط دولت‌های مستقر بوده است. دولت «خاتمی» تلاش قابل توجهی در این زمینه داشت و این نگاه ویژه را در برنامه چهارم توسعه هم دنبال کرد. اما بعد از آن همه‌چیز معطوف به سیاست‌گذاری دولت بعدی شد و نگاه متفاوت دولت بعدی باعث شد که روند قبلی متوقف شود. درضمن یکی از موانع ما در این زمینه نپیوستن ایران به «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» بود. چراکه هر کشوری که به این کنوانسیون پیوسته، باید تلاش کند موانع تبعیض را از سر راه بردارد. کافی است به مجلس قانون‌گذاری کشور همسایه یعنی افغانستان دقت کنیم و میزان حضور زنان در پارلمان این کشور را با خودمان مقایسه کنیم تا به شکاف موجود پی ببریم.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● با اعلام قطعی‌شدن حذف یارانه‌های ثروتمندان، اگر این اقشار در راستای این تصمیم به خاطر ولع و طمع حاضر به انصراف نشوند به بیت‌المال ضربه زده‌اند! امیدواریم قبل از اجرا، خودشان با اختیار کامل اعلام انصراف کنند، باید متذکر شویم مساله حق‌الناس مطرح است و باید در جهان آخرت پاسخگو باشند.

● از سبد کالا، ممنونم ولی از عدالت به دور است به خانواده یک‌نفره، دونفره، پنج‌نفره، ۱۰نفره و ۲۰نفره به یک اندازه کالا دادند. خوب است که این اجناس به تعداد اعضای خانوار باشد.

● آقای سبد کالا، سلام و ممنونم که به ما سبد تخم‌مرغ و پنیر دادید. دست‌تان درد نکند، خیلی بجا بود فقط خواهش می‌کنم فردایی، پس‌فردایی نگویی سبد کالا دادم پس یارانه نمی‌دهم که بدجوری دلخور می‌شوم، هم من هم ۷۵میلیون دیگه. دمت گرم که تو این اوضاع بی‌پولی، وضع جیب ما را خوب درک می‌کنی.

● من همیشه با مترو سر کار می‌روم و برمی‌گردم. الان چندروزی است که مسوولان مترو در بلندگو اعلام می‌کنند که به‌دلیل درخواست‌های مکرر شهروندان، می‌خواهیم با دستفروشان مترو برخورد کنیم، پس شما با ما همکاری کنید. اول اینکه این دستفروشان مزاحم کسی نیستند و دارند به روش شرعی و قانونی و عرفی کاسبی می‌کنند و کسی از شهروندان هم از کار آنها گله‌ای ندارد، بهترین دلیلش هم این است که از آنها خرید می‌کنند. دوم آنکه اگر مسوولان شهرداری می‌خواهند برخورد کنند، لطفا با جیب‌برها و دزدهای مترو و بی‌آرتی برخورد کنند. سوم اینکه دولت موظف است برای شهروندان یک شغل مناسب و آبرومند با درآمد کافی فراهم کند چون یکی از دلایلی که بسیاری از افراد نیازمند به‌ویژه زنان سرپرست خانوار به شغل محترم دستفروشی روی آورده‌اند همین است.

یک مشتری دستفروشان مترو

● شهرداری منطقه ۱۰ کرج نسبت به روکش و ترمیم آسفالت‌های این منطقه تلاش‌های بیشتری انجام دهد. بعضا جاهایی هم که آسفالت شده است به دلیل کیفیت پایین بیشتر از یک یا دوماه دوام نیاورده است.

بیرانی از کرج

● تلاش و زحمات شهرداری تهران در این فصل که جلوتر به ریختن شن و نمک از یخ‌زدگی خیابان‌ها جلوگیری می‌کنند، ستودنی است به همین خاطر از کارگران زحمتکش ستادهای برف‌روبی تشکر می‌کنیم و به آنها خسته نباشید می‌گوییم.

شهروندی از تهران